



اگر دنبال آموزه های امام صادق به جابر بن حیان را می گرفتیم امروز محتاج غرب و اروپا و آمریکا نبودیم

اگر دنبال آموزه های امام صادق به جابر بن حیان را می گرفتیم امروز محتاج غرب و اروپا و آمریکا نبودیم...

گفتاری از آیت الله العظمی صافی گلپایگانی به مناسبت شهادت امام جعفر صادق علیه السلام

اگر دنبال آموزه های امام صادق به جابر بن حیان را می گرفتیم امروز محتاج غرب و اروپا و آمریکا نبودیم

آیت الله العظمی صافی گلپایگانی: یکی از علومی که مسلماً حضرت صادق (ع) تدریس نموده و عنایت به آن داشته اند علم شیمی بوده که سرانجام از آن دانشگاه بزرگ، مردی نابغه به نام جابر بن حیان فارغ التحصیل شد که اگر از زمان جابرین حیان تا حال دنبال نتایج استفاده های این مرد را از امام ششم و فحص ها و تحقیقات و بحث های علمی او را گرفته بودیم و به علوم دیگر که مورد نیاز جوامع متمدن و پیشرفته است اهمیت داده بودیم، امروز در میدان مدنیت مادی، به غرب و اروپا و آمریکا که هرچه دارند از دولت سر اسلام و اصول عالیّه آن و از برکات مساعی علماء مسلمین دارند محتاج نمی شدیم.

اعتدال: آنچه پیش رو دارید گفتاری است از آیت الله العظمی صافی گلپایگانی پیرامون اندک فرصتی که یکی از ائمه اهل بیت (ع) در زمینه نشر دانش الهی خویش یافت.

متن این گفتار که نسخه ای از آن در اختیار اعتدال قرار گرفته به این شرح است:

باید شیعیان مکتب ائمه (ع)، در روز شهادت امام جعفر صادق (ع)، همانند سابق در مجالس عزای آن حضرت شرکت کنند و با شکوه هر چه بیشتر ایام شهادت آن امام عزیز را تجلیل و احترام نمایند که تعظیم مثل این روز، تعظیم دین و احکام الهی است. همه باید با برپایی مجالس وعظ، خطابه و بیان فضائل امام صادق (ع) و نیز به راه انداختن هیئت های عزاداری، ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت (ع) اظهار نمایند که تعظیم و بزرگداشت شخصیت بی نظیر آن امام بزرگوار، تعظیم شعائر است: «وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

حضرت صادق، امام راستین

درّ بحر اصطفاء، شمس هدا

کرد احیا، شرع جدّش مصطفی

صیت فضلش عرصه ی غبرا گرفت

مکتب فقه و فضیلت باز کرد

ذو المکارم ذو الفضائل ذو الکمال

مدرس او، مشعل تابان نور

صف به صف در آن رجال علم و دین

عالمان در مدرسش، چون مفلسان

از جهان شد سوی بستان وصال

پیشوا و مقتدای اهل دین

افتخار اصفیا و اولیا

داد رونق، رسم و آیین ولا

نهضت او سر به سر دنیا گرفت

دعوت مردم ز نو آغاز کرد

عدل قرآن، رهنمای بی‌همال

علم وحیانی در آن اندر ظهور

از افاضات جنابش خوشه‌چین

بر در اعیان و اشراف زمان

بارگاه قرب حیّ ذو الجلال

گفتن و نوشتن درباره پیشوای ششم حضرت امام جعفر صادق (ع) و بیان اوصاف آن حضرت، در یک سخنرانی، مقاله و ده‌ها، صدها و هزاران سخنرانی و مقاله امکان ندارد.

* تلاش‌ها برای بیان فضائل

امام صادق(ع)

اخیراً یکی از دانشمندان به نام استاد اسد حیدر کتابی پیرامون شخصیت امام جعفر صادق (ع) و علوم و فضائل آن حضرت نوشته است که تا جلد پنجم آن به نظر حقیر رسیده است. هم‌چنین دانشمندان دیگر، مانند استاد ابو زهره استاد جامع الأزهر در این موضوع، کتاب‌ها نوشته‌اند و در هزارها کتاب و مصادر و مآخذ اسلامی به مقامات بلند علمی و آراء آن حضرت در رشته‌های مختلف علوم به طور تفصیل یا اجمال اشاره شده است.

* فرصت بزرگ امام صادق(ع)

اوضاع و احوال سیاسی کشورهای اسلامی در نیمه‌ی اول قرن دوم هجری به حضرت صادق پیشوای به حق ناطق (ع) مجال و فرصتی داد که بزرگ‌ترین نهضت‌های علمی را مخصوصاً در قسمت علوم اسلامی رهبری فرماید و مکتب و مدرسه‌ای افتتاح کند که معروف‌ترین علماء اسلام در آن تلمذ و شاگردی کرده و اخذ حدیث و علم نمایند.

* بزرگان جهان اسلام از شاگرد

آن حضرت بوده‌اند

ابوحنیفه پیشوای مذهب حنفی، مالک بن انس پیشوای مالکیان، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، شعبه، ابن جریج، قطان، محمد بن اسحاق، یحیی ابن سعید ابو ایوب سجستانی، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، جابر جعفی بکرو حمران و زراره و عبدالملک پسران اعین، حفص قاضی، هشام بن الحکم، هشام بن سالم، اعمش و مشاهیر دیگری امثال آنان، شاگرد آن حضرت بوده‌اند؛ اصحاب و شاگردانی که به نقل ابن عقده - یکی از بزرگ‌ترین حفاظ علماء اسلام در کتاب (اسماء الرجال الذین رووا عن الصادق (ع)) از چهار هزار بیشتر بودند.

* تنها حلال مشکلات

و دفاع معضلات علمی

صیت علوم حضرت امام جعفر صادق (ع)، بلاد و مجامع علمی اسلامی را فرا گرفت و علماء عراق و حجاز و خراسان و شام از ایشان اخذ علم نموده و در مشکلات علمی و معضلات مسائل اسلامی تنها آن حضرت حلال مشکلات و دفاع معضلات بود.

* به یمن وجود امام ششم،

علوم اسلام از حال رکود خارج شد

علم توحید و خداشناسی، تفسیر، فقه، حدیث، آداب و اخلاق اسلامی، احتجاج با ارباب ملل و نقد آراء طبیعیین و زنادقه و سایر فنون اسلامی در همه قسمت، در مکتب آن حضرت تدریس می‌شد و به یمن تربیت امام ششم در تمام آن فنون، مردان نامی و مؤلفین و ارباب نظر بسیار شدند و علوم اسلام از حال رکودی که در دوران تسلط بنی‌امیه داشت خارج و با یک سیر بسیار عجیب راه تکامل و انتشار را پیمود و معلوم شد که همان‌طور که حدیث متواتر ثقلین و صدها احادیث دیگر بر آن دلالت دارد برای اخذ علم و هدایت و معارف دینی باید در خانه اهل بیت (ع) را کوید و به حبل ولایت ایشان معتصم گردید، حتی مثل منصور خلیفه بنی عباس رسماً به مقام علمی و شخصیت روحی حضرت صادق (ع) اعتراف می‌کرد و علم و مقامات آن حضرت را موهبت الهی و افاضه ربانی می‌دانست و می‌گفت: «إِنَّ جَعْفَرًا كَانَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ فِيهِ: «ثُمَّ أُورِثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» و کان مِّنْ اصْطَفَى اللَّه و کان من السابقین بالخیرات» .

راجع به مقام رهبری علمی آن حضرت در علوم اسلامی و هزارها تربیت‌شدگان آن عالی مکتب امامت و ولایت، مجال سخن به قدری دامنه‌دار است که امثال این نوشتارها و گفتارها به شرح آن وافی و کافی نیست و مراجعه مختصر به کتب کلام و توحید و الهیات و حدیث و فقه و تفسیر و سایر علوم و قرآن و تاریخ و غیرها صحت این دعوی را بر همه کس روشن می‌سازد.

* رهبری علمی آن حضرت منحصر به علوم اسلامی نیست

آنچه که بیشتر شایان توجه و تأمل است این است که رهبری آن حضرت در علوم اسلامی منحصر نیست بلکه در سایر دانش‌های متنوعه مانند نجوم و هیئت و ریاضی و طب و تشریح و معرفه النفس و شیمی و نبات‌شناسی و علوم دیگر از این قبیل نیز شاگردانی تربیت کرد که در این فنون معروف و مشهورند و همان مقالات و احادیث و کتاب‌هایی که از ایشان در صفحه روزگار باقی مانده و زینت‌بخش کتب مسلمین است، مانند توحید مفضل و رساله اهل‌بج و مباحثات آن حضرت با ملاحده، همه و همه شاهد این گفتار است که مکتب حضرت مانند یک دانشگاهی بود که دانشکده‌های عمده در علوم مختلفه در آن تأسیس شده باشد و در هر مکتب و دانشکده مباحثه و درس و تحقیق راجع به علم خصوصی تعقیب و دنبال شود.

* تحویل بزرگ‌ترین علماء

در علوم گوناگون

شاگردان آن حضرت، رشته‌های مختلف علم، مانند کلام، مناظره، الهیات، فقه، تفسیر، حدیث، ادب، علوم طبیعی، شیمی، منافع الأعضاء و رشته‌های دیگر را از مکتب آن حضرت فرا می‌گرفتند و این مکتب آن حضرت بود که بزرگ‌ترین علمای علوم قرآن و فقه و کلام و

شیمی و غیره را به دنیا تحویل داد و افرادی مانند محمد بن مسلم، زرارہ، هشام، ابان بن تغلب، ابوحنیفہ، مالک بن انس هم از شاگردان آن حضرت بودند.

* اگر دنبال آموزه‌های جابر بن حیان را می‌گرفتیم امروز محتاج غرب و اروپا و آمریکا نبودیم

به طور مثال، یکی از علومی که مسلماً حضرت صادق (ع) تدریس نموده و عنایت به آن داشته‌اند علم شیمی بوده که سرانجام از آن دانشگاه بزرگ، مردی نابغه به نام جابر بن حیان فارغ التحصیل شد که اگر از زمان جابرین حیان تا حال دنبال نتایج استفاده‌های این مرد را از امام ششم و فحوصها و تحقیقات و بحث‌های علمی او را گرفته بودیم و به علوم دیگر که مورد نیاز جوامع متمدن و پیشرفته است اهمیت داده بودیم، امروز در میدان مدنیت مادی، به غرب و اروپا و آمریکا که هرچه دارند از دولت سر اسلام و اصول عالیه آن و از برکات مساعی علماء مسلمین دارند محتاج نمی‌شدیم.

غرض آن‌که حضرت صادق (ع) یک قوه فکریه در عصر خودشان بودند که به تدریس علوم اسلامی و علوم قرآن و سنت و عقاید اکتفا نفرموده، بلکه به بحث در عالم کائنات و اسرار آن پرداخته، و در افلاک، مدارات شمس و قمر و نجوم، علومی را اظهار کردند که در ضمن آن مقدار نعمت‌های خدا را بر انسان تعلیم فرموده و وحدانیت خالق را از ابداع مخلوق و از تعدد اشکال و رنگ‌ها و غیر آن به مردم آموختند.

* اعتراف مخالفان به مقام علمی

امام صادق(ع)

این مکتب والای علمی حتی دانشمندان بزرگ از مخالفان مکتب اهل بیت (ع)، را به اعتراف واداشت و همه به صراحت اعلم و افقه بودن آن امام به حق ناطق را بیان کردند: ابوحنیفه رئیس احناف می‌گوید:

«مَا رَأَيْتُ أَفْقَهَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ؛ مِنْ فُقَيْهٍ تَرَى مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ نَدِيدَهُ ام.»

یا این‌که نجاشی در رجال خود از احمد بن عیسی اشعری نقل کرده که می‌گوید: «قال: خرجت إلى الكوفة في طلب الحديث فلقيت بها الحسن بن علي الوشاء فسألته أن يخرج الي كتاب العلاء بن رزين القلاء و أبان بن عثمان الأحمر فأخرجهما إلى فقلت له: أحب أن تجيزهما لي. فقال لي: رحمك الله و ما عجلتك اذهب فاكتبهما و اسمع من بعد. فقلت: لا آمن الحدثان. فقال: لو علمت أن هذا الحديث يكون له هذا الطلب لاستكثرته منه فإني أدركت في هذا المسجد تسعمائة شيخ كل يقول حدثني جعفر بن محمد؛ من در طلب علم حدیث به کوفه رفتم و در آنجا به خدمت حسن بن علی وشا رسیدم، به او گفتم: کتاب علاء بن زرین و ابان بن عثمان احمر را به من بدهید تا از روی آن‌ها نسخه‌برداری کنم؛ او آن دو کتاب را من داد، گفتم: اجازه روایت نیز بدهید. فرمود: خدا تو را رحمت کند، چقدر عجله داری ببر بنویس؛ سپس بیا برای من بخوان تا بشنوم؛ آن‌گاه اجازه روایت بدهم. گفتم: بر خودم از پیشامدهای زمان خاطر جمع نیستم.

حسن بن وشا گفت: عجب! اگر من می‌دانستم که حدیث این‌گونه مشتری و خواهان دارد، بیشتر از این جمع می‌کردم. من در مسجد کوفه ۹۰۰ شیخ را درک کرده‌ام که همه می‌گفتند: حدیث کرد مرا جعفر بن محمد.

و با روایتی که از آن حضرت در مورد حج نقل شده است که چهارصد حکم شرعی در مورد حج از آن استفاده می‌شود و ابوحنیفه می‌گوید: «اگر امام صادق (ع) نبود مردم مناسک حج خود را نمی‌دانستند.»

واقعاً این چه مدرسه و دانشگاه بزرگی بود که موافقان و مخالفان را به تعجب و حیرت واداشت و به مرور زمان نشان داد این‌که پیغمبر اکرم (ص) بارها می‌فرمود: عترت من، اهل بیت من؛ «أَذْكُرْكُمْ اللَّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِي» و یا «لَا تَعْلِمُوهُمْ فَهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ» همین طور نبود که مثلاً چون قوم و خویش او هستند این را بفرماید، بلکه برای همین مقامات و علوم و درجاتی بود که این‌ها داشتند.

* اما متأسفانه

و اما متأسفانه سیاست به سمت ترک رجوع به اهل بیت (ع) پیش رفت تا آنجا که مثل بخاری از حضرت امام جعفر صادق (ع) یک روایت هم نقل نکرده است. به قول شاعر:

قَضِيَّةٌ أَشْبَهَ بِالْمَرْزُوقَةِ
 هَذَا الْبُخَارِيُّ إِمَامُ الْفِتْنَةِ
 بِالصَّادِقِ الصِّدِّيقِ مَا احْتَجَّ فِي
 صَاحِبِهِ وَاحْتَجَّ بِالْمَرْجِيَّةِ
 وَمِثْلُ عُمَرَانَ بْنِ حَطَّانٍ أَوْ
 مَرْوَانَ وَابْنِ الْمَرْأَةِ الْمُحْطِئَةِ
 مُشْكِلَةٌ ذَاتُ عَوَارٍ إِلَى
 حَيْرَةِ أَرْبَابِ التَّهْلُفِ مُلْجِئَةٌ
 وَحَقٌّ بَيِّنٌ يَمُمُّهُ الْوَرَى
 مَغْذَةٌ فِي السَّيْرِ أَوْ مُبْطِئَةٌ
 إِنَّ الْإِمَامَ الصَّادِقَ الْمُجْتَبَى
 بِقَضَائِهِ الْآيَاتُ مَنْبِئَةٌ
 أَجَلٌ مِنْ فِي عَصْرِهِ رُتَبَةٌ
 لَمْ يَقْتَرَفْ فِي عُمَرِهِ سَيِّئَةٌ
 قَلَامَةٌ مِنْ ظَفَرِ إِبْهَامِهِ
 تَعْدِلُ مِنْ مِثْلِ الْبُخَارِيِّ مِئَةٌ

باید از این مکتب درس گرفت و در این دانشگاه بزرگ به معرفت‌آموزی مشغول شد و قدر این گنج گران‌بها و معارف ناب را دانست.

باید شیعیان مکتب ائمه (ع)، در روز شهادت امام جعفر صادق (ع)، همانند سابق در مجالس عزای آن حضرت شرکت کنند و با شکوه هر چه بیشتر ایام شهادت آن امام عزیز را تجلیل و احترام نمایند که تعظیم مثل این روز، تعظیم دین و احکام الهی است.

همه باید با برپایی مجالس وعظ، خطابه و بیان فضائل امام صادق (ع) و نیز به راه‌انداختن هیئت‌های عزاداری، ارادت خود را به خاندان عصمت و طهارت (ع) اظهار نمایند که تعظیم و بزرگداشت شخصیت بی‌نظیر آن امام بزرگوار، تعظیم شعائر است:

«وَمَنْ يُعْظِمُ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^{171&#}